

زنان خشونت دیده ایزدی و بنیاد ابتکار نادیا برای این زنان چه کار می کند؟

سوما نگهداری نیا

«بنیاد ابتکار نادیا» یک سازمان خیریه غیرانتفاعی است که توسط نادیا مراد، زن ایزدی برندهی جایزه صلح نوبل در سال ۸۱۰۲ تأسیس شده و هدف از تشکیل آن، دفاع از حقوق زنان و کودکان در معرض خشونت های جنسی عنوان شده است و از سوی دیگر، این بنیاد، مساعدت هایی را در جهت حمایت از جوامع آسیب پذیر و اقلیت های دینی در سراسر جهان به منظور تداوم و توسعه این جوامع در دستور کار خود قرار داده است.

سال ۴۱۰۲ و در پی حمله نیروهای گروه اسلام گرای موسوم به داعش به یکی از شهرهای استان نینوا در شمال غربی عراق به نام «سنجار» که اکثریت جمعیت آن از اقلیت دینی ایزدی بودند، بیش از هفت هزار نفر کشته و حدود پنج هزار زن و دختر ایزدی به عنوان غنیمت جنگی و برده جنسی ربه شده و در طی سال های بعد از آن مورد تجاوز و انواع خشونت های جنسی قرار گرفتند و بنا بر گزارش سازمان ایزیا که سازمان دفاع از حقوق اقلیت های دینی است، تا به امروز از سرنوشت بیش از دوهزار نفر از این زنان هیچ اطلاعی در دست نیست، اما بسیاری دیگر از آنها که موفق به فرار شدند و یا با پرداخت پول و توسط قاچاقچی های انسان، حق آزادی شان از افراد داعش خریداری شد، پس از بازگشت به خانه به دلیل تروماهای شدید روحی و روانی توانایی حضور در اجتماع و قبول مجدد نقش های اجتماعی شان را نداشتند. در سال ۵۱۰۲ و در چارچوب یک پروژه بشردوستانه از سوی دولت آلمان، حدود یک هزار زن و کودک ایزدی که مورد خشونت داعش قرار گرفته بودند، برای کمک در روند بازپروری روانی به دولت ایالتی بادن-وورتمبرگ منتقل شدند. یکی از این دخترها نادیا نام داشت؛ کسی که بعدها به دلیل شجاعتش در بازگو کردن روایت آنچه داعش با او و سایر زنان در اسارت گاه های موصل و رقه انجام داده بود، به الگوی زنان ایزدی تبدیل شد؛ نادیا در طول چندین سال فعالیت مستمر خود در مصاحبه های تلویزیونی و ملاقات های دیپلماتیک بسیاری از جمله سخنرانی در شورای امنیت سازمان ملل حاضر شد؛ بارها و بارها داستان ربه شده شدن زنان ایزدی توسط داعش را بازگو کرد تا در نهایت توانست توجه جهانیان را به این فاجعه تراژیک جلب کند و به دلیل مبارزاتش علیه خشونت جنسی و استفاده از آن در جنگ ها به عنوان سلاح، موفق به دریافت جایزه ساخاروف برای آزادی اندیشه در سال ۶۱۰۲ و جایزه صلح نوبل در سال ۸۱۰۲ شد. کمیته صلح نوبل، دلیل اهدای این جایزه به نادیا را چنین بیان کرد:

«او شجاعتی غیر معمول را در بازگویی رنج هایش نشان داده و از جانب دیگر قربانیان سخن گفته است. نادیا مراد یکی از حدود سه هزار دختر ایزدی است که قربانی تجاوز و بدرفتاری نیروهای داعش شده است؛ این سوءاستفاده، کاملاً سیستماتیک و بخشی از یک استراتژی جنگی بوده است...»

بنیاد ابتکار نادیا، اهداف موسسه را در قالب سه هدف، این گونه تعریف می کند:

۱. احقاق عدالت برای قربانیان

۲. اعاده حیثیت برای آنها

۳. صلح و امنیت برای بازماندگان

و این بنیاد در طلب عدالت و صلح فراتر از جامعه ایزدی رفته و خواستار تعهد بلند مدت برای بهبود زندگی تمامی افراد درگیر خشونت در سراسر جهان شده است.

اقدامات عملی بنیاد ابتکار نادیا

در فاز اول، این بنیاد در جهت تأمین امنیت زنان و تسهیل روند بازگشت آنها به جامعه، صندوق عملیاتی شنگال را افتتاح کرد و با جلب حمایت های بین المللی از سوی جامعه جهانی، اقدام به بازسازی روستاها و محل زندگی این زنان کرد که بازسازی مدارس و ارتقای سیستم آموزشی و بازسازی سیستم بهداشتی و درمانی را نیز شامل شد و در مرحله بعد با هدف خودکفایی اقتصادی زنان قربانی خشونت های جنسی، با تأسیس کارگاه های بافندگی منسوجات پشمی که از دیرباز به عنوان صنایع دستی منطقه شهرت دارد، سعی در تکمیل چرخه بازگشت مجدد این زنان به اجتماع کرده است. در این کارگاه ها، زنان بعد از سپری کردن دوره های آموزشی می توانند مشغول به کار شوند و فروش دست سازه ها و بازاریابی آنها به عهده بخشی از بنیاد است که مسئولیت های اقتصادی بنیاد را به عهده دارد.

بسیاری از زنان و دختران ایزدی قربانی خشونت‌های داعش، در حال حاضر با حمایت بنیاد ابتکار نادیا و چندین سازمان مدافع حقوق بشری در حال گذراندن مراحل بازپروری روانی برای بازگشت به اجتماع هستند و بسیاری از آنها توانسته‌اند با تعیین اهداف تحصیلی به مدرسه بازگردند.

پ.ن: بر اساس آماری که از سوی جامعه روحانیون ایزدی منتشر شده، تعداد هفتاد و سه حمله از نوع کشتار جمعی در تاریخ ایزدیان ثبت شده است. بر همین اساس، جامعه آنها با حمایت از فعالیت‌های بنیاد ابتکار نادیا و مؤسسه‌هایی از این دست، توانمند سازی زنان و دختران ایزدی را یکی از اولویت‌های آموزشی معرفی کرده است و در جهت عملی کردن آن تلاش می‌کند.

Www.nadiasinitiative.org

اوموجا، سرزمین زنان خشونت‌دیده کنیایی

نویسنده: سوما نگهداری نیا

سال ۰۹۹۱ در کنیا زنان زیادی مورد تجاوز نیروهای ارتش بریتانیا قرار می‌گرفتند و این ابتدای جهنمی بود که آنها از آن پس در زندگی‌شان تجربه می‌کردند؛ بسیاری از این زنان، پس از تحمل شکنجه و ضرب و جرح توسط مردان خانواده اگر جان سالم به در می‌بردند، از خانه‌هایشان طرد می‌شدند و چون هیچ‌یک از آنها از حق تحصیل و آموزش در زندگی‌شان برخوردار نبودند، لذا به اجبار برای گذران زندگی در گوشه‌ی خیابان‌ها به تکدی‌گری و تن‌فروشی روی می‌آوردند. این روال ادامه داشت تا اینکه یک روز «ربکا لولوسولی» از سوی چهار مرد مورد حمله قرار گرفت و در تمام مدت تجاوز شوهرش از دور ایستاد و بدون اینکه کوچکترین کمکی به او کند در کمال خونسردی ماجرا را تماشا کرد؛ اتفاقی که آن روز برای ربکا افتاد به نقطه‌ی عطفی در زندگی زنان آسیب‌دیده از تجاوز و خشونت در کنیا تبدیل شد.

ربکا به همراه پانزده زن از زنانی که سال‌ها پیش همگی مورد تجاوز قرار گرفته بودند، تصمیم گرفتند چرخه‌ی خشونت علیه زنان را قطع کنند. به همین خاطر، آنها با پرورش ایده‌ی تاسیس دهکده‌ای امن برای زنان فعالیت خود را آغاز کردند و قدم در راهی گذاشتند که سال‌ها بعد توانست الهام بخش بسیاری از فعالان حقوق زنان باشد.

خبر ساخت دهکده‌ی «اوموجا»، آرام آرام در تمام منطقه پیچید و به گوش زنانی که درگیر خشونت‌های خانگی بودند، رسید. اولین ساکنین روستا زنانی بودند که توسط سربازان ارتش بریتانیا مورد تجاوز قرار گرفته بودند، اما به سرعت زنان دیگری از سراسر کنیا نیز خود را به پشت حصارهای اوموجا رساندند: زنانی که مورد شکنجه‌ی شوهرانشان قرار گرفته بودند یا آنهایی که اندام‌های جنسی‌شان مثله شده بود و نیز دخترانی که زندگی‌شان به دلیل فقر و تنها در ازای چند گاو در اختیار مردان مسن قرار گرفته بود. اوموجا سرزمین امن تمام زنانی بود که در یک چیز مشترک بودند و آن، تجربه‌ی نوعی از خشونت توسط مردان بود.

هدف ربکا و سایر زنان در اوموجا بر توانمندسازی و آموزش زنان در جهت آماده کردن آنها برای ورود مجدد به اجتماع متمرکز بود. اجتماعی که به شدت مرد سالار بود و از زنی که مورد تجاوز قرار گرفته بود، نه تنها هیچ حمایتی نمی‌کرد، بلکه او را به عنوان مقصر اصلی در جامعه می‌شناخت. تلاش‌های زنان اوموجا شرایط را تغییر داد و دهکده‌ی آنها به عنوان پایگاهی از اتحاد زنان در سراسر کنیا معروف شد.

سیستم تصمیم‌گیری در این دهکده به صورت شورایی است و افراد شورا سالیانه از طریق رای‌گیری انتخاب می‌شوند. علاوه بر این شورای تصمیم‌گیری دهکده، یکی از زنان را به عنوان مادر اوموجا که نماد و سنبل حرکت‌های بخش زنان است، انتخاب می‌کند و مادر دهکده تا حداکثر ده سال می‌تواند در این منصب بماند و اتخاذ تصمیم‌های راهبردی به عهده‌ی اوست. در اوموجا زنان از طریق آموزش کم‌کم قادر خواهند بود تا استقلال مالی خود و فرزندانشان را به دست گیرند. آنها از طریق خیاطی، سوزن‌دوزی و ساخت زیورآلات که بخش عمده‌ی صنایع دستی کشور کنیا را تشکیل می‌دهد، چرخ اقتصادی دهکده را به گردش در آورده و از سوی دیگر، تعداد دیگری از زنان با قبول مسئولیت‌هایی مانند تأمین امنیت و کشاورزی در بخش‌های دیگر دهکده مشغول انجام وظیفه و ایفای نقش‌های اجتماعی‌شان هستند.

